

برخیز و اول تو دشمن را بکش

نگاهی به جایگاه ترور در ساختار امنیتی اسرائیل



محسن صالحی‌خواه
گزارشگر هم‌میهن

اسرائیلی‌ها مبدع قتل‌های هدفمند سیاسی یا به طور اختصاری «ترور» نیستند، اما سابقه‌های طولانی و تأثیرگذار در این موضوع دارند. مطالعه اهداف اسرائیل نشان می‌دهد که آن‌ها به سه دلیل ترور می‌کنند: اقدام پیش‌دستانه، انتقام یا ایجاد اخلاخ در ساختار رهبری تشکیلات حریف. این قتل‌ها، برای آنان توجیه دینی و آرمانی دارد.

اول: ریشه ترورهای سیاسی و عملیات‌های خرابکارانه مانند بمب‌گذاری در ساختار امنیتی-نظامی به قبل از تشکیل دولتی به نام اسرائیل بازمی‌گردد. کافی است نگاهی به تاریخچه تشکیل ارتش اسرائیل پس از ۱۹۴۸ ببینیم. سازمان‌هایی شبه‌نظامی مانند هاگانا، لچی یا ارگون که در دوران اداره سرزمین فلسطین توسط انگلستان با آن‌ها و اعراب می‌جنگیدند، دستی بر آتش ترور و خرابکاری داشتند. مثلاً هاگانا برای مقابله با اقدامات دولت بریتانیا در جهت دیپورت کردن مهاجرین یهودی غیرقانونی از سرزمین فلسطین، سال ۱۹۴۰ یک کشتی اقیانوس‌پیمای اس‌اس پاتریا را غرق کرد. این اقدامات بعد از پایان جنگ جهانی دوم شدت پیدا کرد. دانشنامه بریتانیکا در مدخل هاگانا نوشته است: «بعد از پایان جنگ جهانی دوم زمانی که بریتانیا با باز کردن سرزمین فلسطین برای مهاجرت بدون محدودیت یهودیان مخالفت کرد، هاگانا به فعالیت‌های تروریستی، بمب‌گذاری پل‌ها، خطوط آهن و کشتی‌هایی که برای دیپورت مهاجران غیرقانونی یهودی استفاده می‌شد، روی آورد.» گروه لچی در نوامبر سال ۱۹۴۴ لرد مایون، سیاستمدار انگلیسی را در قاهره ترور کرد. ارگون در سال ۱۹۴۶ هتل کینگ‌دیوید بیت المقدس (اورشلیم) را منفجر کرد. رهبر این گروه در آن زمان (دهه ۴۰ میلادی) مناخیم بگین، نخست‌وزیر اسرائیل در سال‌های بعدی بود. به طور خلاصه، با تشکیل دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸، این سازمان‌ها در ساختار جدید به نام نیروهای مسلح اسرائیل سازمان‌دهی و به کارگیری شدند.

دوم: برای ریشه‌یابی این اقدامات باید به بحث اندیشه صهیونیسم‌پرورد کنیم که از موضوع این نوشتار و دانش نویسنده خارج است. به همین دلیل، خوب است تعریف ساده‌ای از ریشه این تفکر را از زبان یک مامور سابق موساد بخوانیم. ویکتور استروفسکی، مامور پیشین موساد در کتاب «راه نیرنگ» نوشته است: «به عنوان کسی که اصل و نسب تند صهیونیستی دارد، این نکته به من آموخته شده بود که دولت اسرائیل از خطا و اشتباه میرا و موصون است؛ آموخته شده بود که ما همچون داوود با جالوتی [جالوت جنگجوی غول‌آسای در عهد عتیق که توسط داوود با سنگ کشته و در بار آویخته می‌شود. مترجم] فناپذیری در نبردی بی‌پایان هستیم؛ آموخته شده بود که هیچ حامی و کمک‌کننده‌ای جز خودمان نداریم؛ و این احساسی بود که بازماندگانی از کشتارها و قتل‌عام‌ها که در میان ما می‌زیستند، آن را تقویت می‌کردند. ما به عنوان نسل نوین اسرائیلی‌ها، ملتی که پس از دو هزار سال تبعید از نو بر خاک اجدادمان شکوفا می‌شود و گسترش می‌یابد، کل وجود خود را در راه آرمان ملت تفویض کرده بودیم. فرماندهان ارتش ما به جای ژنرال، قهرمان خوانده شده و رهبران ما ناخداایانی محسوب می‌شدند که بر عرشه کشتی بزرگ اسرائیل حکم می‌راند.» (راه نیرنگ، ۵) در این مسیر، ترور آن‌هایی که دشمن محسوب می‌شوند، دفاع از خود و برای حفاظت از اسرائیل تعریف می‌شود.

سوم: برخیز و اول تو دشمن را بکش یا first to rise and kill است که رون برگمن روزنامه‌نگار اسرائیلی در باره ترورهای انجام‌شده توسط آن دولت نوشت. نام این کتاب که منطبق حاکم بر قتل‌های هدفمند اسرائیل را نشان می‌دهد، از متن کتاب دینی تلمود گرفته شده است. در بخشی از تلمود می‌خوانیم: «اگر کسی برای کشتن تو آمد، برخیز و اول تو او را بکش.» (سنن‌پدرین، بخش ۷۲، آیه ۱). تلمود را دومین کتاب بزرگ یهودیان می‌نامند و اهمیت زیادی دارد.

با توجه به این آموزه، می‌توان درک کرد که قتل‌های سیاسی اسرائیل منطقی این چنین دارد. آن‌که به عنوان دشمن قلمداد می‌شود قصد دارد به اسرائیلی‌ها مردم آن لطمه‌ای وارد کند، هدف فرار می‌گیرد. به‌خصوص اگر باعث کشته شدن اهالی سرزمین‌های اشغالی شود.

این قتل‌ها گاهی شکل انتقام به خود می‌گیرد که بارزترین نمونه آن، تعقیب عاملان و آمران کشتار ورزشکاران اسرائیلی در المپیک ۱۹۷۲ مونیخ توسط عوامل موساد و قتل آن‌ها در لبنان، فلسطین، ایتالیا، قبرس و فرانسه است. ترور یک ابزار در ساختار امنیتی اسرائیل است که می‌تواند درون مرزها یا بیرون آن صورت بگیرد.

چهارم: دولت‌ها، مسئولیت قتل‌های سیاسی داخل یا خارج از مرزهایشان را معمولاً بر عهده نمی‌گیرند. چون پذیرش رسمی مسئولیت، بار حقوقی را به دنبال می‌آورد. اما با توجه به هدفی که به قتل رسیده، معمولاً مشخص است که چه کسی ترور را انجام داده یا از انجام آن سود می‌برده است. استثنائاتی که وجود دارد نیز این است که قتل سیاسی یا هر عملیات تروریستی دیگر توسط کشور «الف» انجام شود که امکان استفاده از آن برای فشار علیه کشور «ب» وجود داشته باشد. چون هدف موردنظر در زمره مخالفان یا مراکز تهدیدکننده منافع کشور «ب» محسوب می‌شده است. اما در این موارد، معمولاً حقیقت اگر نگوییم هیچ وقت، می‌توانیم بگوییم به راحتی کشف نمی‌شود. از این استثنائات که بگذریم، هدف تا حد زیادی امر را به ما معرفی می‌کند. وقتی هیئت ترور شود، اسرائیل متهم ردیف اول است. وقتی احمدشاه مسعود ترور شود، القاعده در این جایگاه می‌نشیند...

در فقره ترور اسماعیل هنیه در تهران، تردیدی درباره اینکه اسرائیل این عملیات را انجام داد وجود ندارد. اما اسرائیل مسئولیت آن را نمی‌پذیرد. در جریان ترور عماد مغنیه در سال ۲۰۰۸، نیز به همین صورت بود. دبلی تلگراف گزارش خود را درباره ترور این‌طور آغاز کرد: «اسرائیل دست داشتن در انفجار خودروی بمب‌گذاری شده که باعث کشته شدن عماد مغنیه فرمانده رده‌بالای حزب‌الله شد را رد کرد.» اما هیچ‌کس تردید ندارد که در ترور محسن فخری‌زاده (مسئول پروژه هسته‌ای ایران)، عماد مغنیه (فرمانده نظامی ارتش حزب‌الله)، مصطفی بردالین (فرمانده نظامی ارتش حزب‌الله)، اسماعیل هنیه (رئیس دفتر سیاسی حماس)، محمود المبحوح (عضو رده بالای شاخه نظامی حماس) و... یا مستقیم‌و به‌طور مشخص توسط اسرائیل ترور شدند یا با کمک سرویس‌های دیگر، از سوی اسرائیل هدف قرار گرفتند. در هر صورت، ندانستن ما با قبول مسئولیت رسمی از سوی آن دولت بسیار متفاوت است. استروفسکی در بخش دیگری از کتابش، درباره تکذیب عملیات خرابکاری اسرائیل علیه پروژه هسته‌ای عراق در فرانسه (انفجار راکتور) می‌نویسد: «موساد را متهم کردند اما یک مقام دولتی اسرائیلی این اتهامات را به عنوان «تبلیغات ضدیهودی» رد کرد.» (راه نیرنگ، ۴۳ و ۴۴) استروفسکی در کتابش از وجود یک لیست اعدام رسمی صحبت می‌کند که احکام قتل اشخاص حاضر در آن باید به تأیید نخست‌وزیر برسد. شاید نویسنده کمی درباره شایخ و برگ این ماجرا اغراق کرده باشد اما اصل وجود فهرستی از اهداف ترور را می‌توانیم در نظر بگیریم. چراکه ترور شیوه‌ای مرسوم برای اسرائیل است و رئیس موساد نیز به نخست‌وزیر پاسخگوست. نویسنده از برگزاری دادگاهی مخفی برای این افراد نیز خبر داده که احکام اعدام در آن صادر می‌شود. سنن‌پدرین که آن بخش مربوط به دفاع از خود در تلمود را شامل می‌شود، نام دادگاهی است که گفته می‌شود در دوران باستان در سرزمین‌های یهودی با حضور ۲۳ قاضی و استاد تورات تشکیل می‌شده است. شاید همه این‌ها به هم بی‌ارتباط باشد اما در اصل موضوع، تفاوتی ایجاد نمی‌کند.

آخر: برگمن در مقاله‌ای که سال ۲۰۱۸ در یک وبسایت آمریکایی نوشت، موساد را اینطور توصیف می‌کند: «در دسامبر ۱۹۴۹، دیوید بن گوریون یکی از بنیانگذاران اسرائیل یک آژانس جدید برای عملیات‌های اطلاعاتی خارج از مرزهای کشور ایجاد کرد. او بعداً نام این آژانس را مؤسسه اطلاعات و عملیات ویژه گذاشت که معمولاً به نام مؤسسه -موساد- شناخته می‌شود.» بنابراین، موساد بیرون از مرزهای اسرائیل فعالیت می‌کند. سال ۲۰۰۴ که شیخ احمد یاسین رهبر معنوی حماس در غزه ترور شد، با توجه به منطقه وقوع عملیات، نمی‌توانیم بگوییم موساد این عملیات را انجام داد. اما در فقره ترور هنیه، دقت و ظرافت آن می‌توان خبر از طراحی و اجرای عملیات از سوی موساد داد. هنیه اولین نبوده و آخرین نیز نخواهد بود. چرا که این روش در ساختار امنیتی اسرائیل وجود دارد و به عنوان یک ابزار و گزینه روی میز است. برای جلوگیری از وقوع ضرب‌های مشابه چه مربوط به گروه‌های مرتبط با ایران یا مربوط به کشور خودمان باشد، بهتر است نقاط ضعف را پیدا کنیم. با تبلیغات کاری از پیش نمی‌رود.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

گزارش
یک

پزشکیان در دیدار با نمایندگان اهل سنت مطرح کرد:

چینش کابینه از میان افراد قائل به هم‌افزایی

گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی اعلام کردیم که افراد موردنظر خودشان را که می‌توانند به دولت کمک کنند، معرفی کنند تا توافق ملی شکل بگیرد. توسط هر کدام از اینها چه جریانات اصلاح‌طلب، اصولگرا و مستقل چه افراد و شخصیت‌های سیاسی-یک‌فهرست‌هایی ارائه شد و نهایتاً اینها دارد پالایش می‌شود تا به یک جمع‌بندی چهار، پنج نفره برای هر جایگاه برسد. در آخر، طبیعتاً خدمت مقام معظم رهبری خواهیم رفت و با هماهنگی و مشورت با ایشان به یک جمع‌بندی نهایی خواهیم رسید که اینها را بتوانیم معرفی کنیم.»

معتقد به مشورت هشتمین

روز گذشته هم پزشکیان دیداری با ۱۸ تن از نمایندگان مناطق اهل تسنن در مجلس داشت. او در این دیدار انسجام، وحدت و هم‌افزایی همه ظرفیت‌ها را لازم حکمرانی مطلوب و پیشبرد امور کشور دانست و با تأکید بر اهمیت

گروه خبر: مدتی بعد از مشخص شدن نتیجه انتخابات ریاست جمهوری و توقف پزشکیان بر سایر رقبای انتخاباتی شورای راهبری انتخاب اعضای کابینه به ریاست محمدجواد ظریف تشکیل و اعضای آن معرفی شدند. از آن زمان تاکنون مسئله انتخاب اعضای کابینه یکی از مهم‌ترین مسائل پیش‌روی دولت پزشکیان بوده است. به‌ویژه آنکه او در تمام مناظرات و سخنرانی‌های انتخاباتی خود بر لزوم وفای ملی و بهره‌گیری از کارشناسان فارغ از جناح‌بندی‌ها و همچنین بی‌هیچ تبعیضی میان قومیت‌ها و مذاهب مختلف سخن گفته است. مسئله‌ای که باعث شده این روزها ایرانیان از هر قوم و طایفه‌ای بیش از گذشته چشم به انتخاب رئیس‌جمهور تازه‌نفس خود داشته باشند، رئیس‌جمهوری که وعده‌هایی جدید داد. با این حال او در همه وعده‌های خود تأکید کرده است که در حدود سیاست‌های رهبری حرکت خواهد کرد و حتی کابینه خود را هم با کسب نظر رهبری انتخاب خواهد کرد: «قدم اول این بود که به تمام جریانات،

گزارش
شهری

در بررسی ضد و نقیض گویی درباره همکاری با دولت مطرح شد:

شهرداری تهران جزیره‌ای خارج از ایران؟

شورای شهر تهران تذکر دادند. او در پاسخ به این سوال که چرا هیچ اتفاقی رخ نداد؟ تأکید کرد: «بفرمایید شهرداری به کدام یک از تذکرات شورای شهر تهران توجه کرده که این تذکره دومی باشد؟» قائمی در پاسخ به این سوال که چرا شهرداری از همکاری با دولت می‌گوید اما راه دیگری را در پیش گرفته است؟ گفت: «تاکنون شاهد بودیم که انتظارات یک‌طرفه بوده و شهرداری تهران همیشه دوست داشته که همه با او همکاری کنند اما وقتی نوبت به همکاری شهرداری می‌رسد اتفاق جدی نمی‌افتد.»

با وجود آنکه برخی این اقدام شهرداری را تخلف می‌انگارند، ناصر امانی در گفت‌وگو با هم‌میهن به صراحت اعلام کرد که طبق قانون تعیین ساعت کار شهرداری در اختیار شهردار تهران است: «شهردار تهران می‌تواند ساعت کار را تعیین کند و الزام به پیروی از مصوبه دولت ندارد اما می‌تواند برای هماهنگی دولت، کمک به جلوگیری از هدررفت انرژی و رعایت حال کارمندان شهرداری به شرطی که به مأموریت‌های شهرداری لطمه نزنند، با ساعت کار دولت هماهنگ شود.» او افزود: «واقعیت این است که ساعت ۶ صبح برای برخی از مردم سخت است که پیگیر کار اداری خود در شهرداری شوند. از سوی دیگر برآورده نشده که مردم از این ساعت کاری راضی هستند؟»

سوده نجفی، عضو هیئت رئیسه شورای شهر تهران نیز درباره تفاوت ساعت کاری به هم‌میهن گفت: «به نظر من مصوبه دولت باید در تمام دستگاه‌های دولتی و نهادها قابلیت اجرایی داشته باشد. در این میان تعارضی پیش می‌آید که آقا کارمند شهرداری است و خانم کارمند دولت و برای نگهداری بچه خود دچار مشکلات خاص و عمده‌ای می‌شوند. ما اعضای شورای شهر تهران باید به نتیجه برسیم و اگر لازم است شهردار تهران را ملزم کنیم تا ساعت کاری شهرداری را با ساعت کاری اعلام شده از سوی دولت یکی کند تا همکاران ما دچار مشکلات خانوادگی نشوند.»

محمد آخوندی نیز در گفت‌وگو با هم‌میهن به مشکل کارمندان شهرداری و دولت اشاره و تأکید کرد: «تنها نظری که می‌دهم این است که باید طوری برنامه‌ریزی کنیم که زندگی خانوادگی همکاران ما در شهرداری و رسیدگی به فرزندان‌شان مختل نشود.»

روز گذشته مهدی اقراریان، عضو شورای شهر تهران در جریان دوست‌وینچاه و چهارمین جلسه شورای شهر تهران از ارسال پیامک تهدید برای عضو شورای شهر تهران خبر داد. او ابتدا با اشاره به حادثه فوت یکی از کارمندان شهرداری به برگزاری جلسه‌ای در کمیسیون حقوقی و نظارت شورای شهر تهران در این مورد، گفت: «در این جلسه بازرسی شهرداری نیز حضور داشت و اشاره کردیم که هر چه سریع‌تر گزارشی از این حادثه به دست شورای شهر تهران برسد. اما جای تأسف بسیار زیادی دارد که این حادثه در یکی از ساختمان‌های شهرداری تهران رخ داده است؛ در حالی که شهرداری



پریسا هاشمی
گزارشگر شهری هم‌میهن

روز گذشته برای دومین بار حبیب کاشانی، عضو شورای شهر تهران درباره «تفاوت ساعت کاری شهرداری با ساعت کاری کارمندان دولت» به شهردار تهران تذکر داده و خواستار رفع این تفاوت شد. دولت اعلام کرد که ساعت کاری ۱۵ استان به دلیل افزایش شدید دمای هوا و تداوم گرما و به منظور حفظ سلامتی هموطنان و مدیریت مصرف انرژی از ساعت ۱۰ تا ۶ صبح باشد. اما شهرداری باز هم با این موضوع همراهی نکرد و ساعت کاری شهرداری تهران وزیر مجموعه‌هایش ۸ صبح تا ۱۲ ظهر اعلام شد.

حبیب کاشانی، عضو شورای شهر تهران در سخن علنی گفت: «شورای اطلاع‌رسانی دولت اعلام کرد که ساعت کاری در ۱۶ استان کشور با توجه به شرایط جوی و گرما ۱۰ تا ۶ صبح باشد. دوستان در شهرداری ساعت کاری را ۸ تا ۱۲ اعلام کردند. ما باید بدانیم تحت نظر چه کسی هستیم.

شهرداری بخشنده کند که هیچ رابطه‌ای با اطلاع‌رسانی دولت ندارد و به صورت مستقل تصمیم‌گیری می‌کند. شهرداری با چند صد ساختمان تافته جداافتاده نیست که نخواهد با دولت همراهی کند. با هم تعارف نداریم، بحث انرژی جدی است. خواهش می‌کنم شهرداری این موضوع را مشخص کند تا ما جزیره‌ای خارج از ایران یا تهران نباشیم.» او به اقدام شهرداری اشاره می‌کند که با صحبت‌هایش درباره همکاری با دولت تناقض دارد. موضوع کمبود انرژی به ابرچالشی در ایران تبدیل شده؛ آن‌هم زمان تحویل دولت به مسعود پزشکیان. علیرضا زاکانی، شهردار تهران که از دیدار با رئیس‌جمهور ایران و همکاری دولت و شهرداری نوشته بود حال‌ااری جدا از دولت را در پیش گرفته تا این همکاری نیز در حد شعار باقی بماند و حتی منافع ملی نیز به خطر بیفتد.

علی اصغر قائمی در پاسخ به این سوال که شورای شهر تهران درباره تفاوت ساعت کاری شهرداری و دولت چه اقدامی صورت می‌دهد؟ به هم‌میهن گفت: «آقای کاشانی درباره این موضوع در جلسه قبل و این جلسه

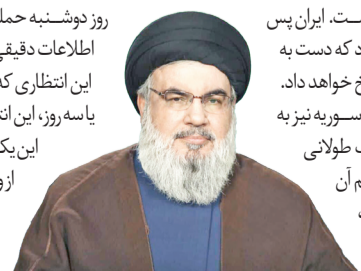
مهدی اقراریان

عضو شورای شهر تهران مطرح کرد:

پیامک پراکنی معاون زاکانی

برای عضو شورای شهر تهران

با وجود اینکه این دو کشور تحت فشار تهدیدها و تحریم‌ها قرار گرفته‌اند، اما از جبهه مقاومت حمایت می‌کنند.» او در بخش دیگری از سخنان خود تأکید کرد: «پس از ترور شهید هنیه، ایران خود را ملزم به واکنش دید و دشمن نیز در حال انتظار به سر می‌برد به همین علت رسانه‌ها را اگر دنبال کرده باشید می‌بینید که آمریکایی‌ها در حال ارتباط‌های زیادی در منطقه هستند و گفته می‌شد که روز دوشنبه عملیات واکنش انجام می‌شود. چرا آمریکایی‌ها چنین چیزی را گفتند؟ می‌خواستند بگویند ما مطلع هستیم. حتی ترامپ نیز گفت که اطلاعاتی دارد که صبح یا شب روز دوشنبه حمله خواهد شد، یعنی می‌خواستند بگویند اطلاعات دقیقی دارند. دشمن از هر فریادی هراس دارد. این انتظار که اسرائیل در آن است ما می‌گوییم یک، دو یا سه روز، این انتظار یک هفته پیش اسرائیل است که طی این یک هفته بخشی از عقوبت اسرائیل و بخشی از واکنش و نبرد به شمار می‌رود زیرا نبرد، اعیان، عقاب و سلاح و خون است.»



سید حسن نصرالله:

از ایران نمی‌خواهیم بجنگد

گروه خبر: روز گذشته سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان به مناسبت هفتمین روز شهادت فؤاد شکر سخنرانی کرد. او در بخشی از سخنان خود با اشاره به ترور شهید اسماعیل هنیه، رئیس‌دفتر سیاسی حماس، در تهران گفت: «موضع ایران و سوریه پایدار است. ایران پس از تجاوز اسرائیل به کنسولگری اش در دمشق اعلام کرد که دست به عملیات خواهد زد و امروز نیز پس از شهادت هنیه پاسخ خواهد داد. اما از ایران نمی‌خواهیم که وارد جنگ دائمی شود و از سوریه نیز به دلیل شرایط داخلی آن خواسته نمی‌شود که وارد جنگ طولانی شود. چیزی که ما در مقاومت از سوریه و ایران خواسته‌ایم آن است که حمایت مالی، نظامی، تسهیلاتی داشته باشند،